

بسمه تعالی

حوالی پاییز بود

اواخر جنگ جهانی دوم، کاپیتان Trevor Phipps تنها بازمانده ارتش یوگسلاوی بود. او تصمیم می گیرد تا با هواپیمای دو موتوره خود به قلب دشمن بزند و نام خود را در تاریخ کشورش جاودانه کند

Trevor عاشق که نه ، دیوانه پرواز بود. او در نبرد های تن به تن هوایی خبره بود و زبان زد خاص و عام.

یک روز در نبرد هوایی که بود دو روز قبل از ورودش به 36 سالگی در ارتفاع 900 متری زمین ناگهان موتور هواپیمایش دچار مشکل شد و چند بار پشت سر هم رمز بین المللی May day را برای درخواست کمک در بی سیمش تکرار کرد و در نهایت ناچار به فرود اضطراری در وسط جنگل آمازون شد.

می دانست که خیلی دور از مقصدش است اما بنزین هواپیمایش نشت کرده بود و نمی توانست زمان زیادی پرواز کند چون به زودی در آتش می سوخت. با عبور از میان شاخ و برگ های درختان توانست به صورت شگفت انگیزی هواپیمای خود را در منطقه ای غیر مسکونی به زمین بنشانند جایی در شمال رودخانه آمازون.

جنگل های آمازون یک پنجم گونه های جهان را در خود جای داده و یک پنجم از گونه های ماهیان جهان هم ساکن رودخانه ها و آب های روان این خطه هستند.

اون با خیال اینکه 5 تا 8 روز دیگر نجات پیدا می کند به نجات خود امیدوار بود ولی دوستانش بعد از اینکه نتوانسته بودند بقایای هواپیما را پیدا کنند ، دست از جستجو برداشته بودند و بعد 8 روز Trevor دیگر می دانست که خود یکه و تنها در این جنگل ترسناک و خیلی سرد تنها مانده است.

او تصمیم گرفت از تپه ها بالا رود و از رودخانه ها شنا کند و در کمال ناباوری بعد از 36 روز طی کردن مسیر به نزدیک دهکده ای رسید و با شنیدن صدای ساکنین آنها که مشغول به کار بودند به نجات خود امیدوار شد و خود را به آنها رساند و به گفته خودش تنها انگیزه ای که در این 36 روز او را به زندگی امیدوار نگه داشته بود ، انگیزه دیدار با خانواده اش بود.

Trevor همیشه بعد از اینکه به یاد آن اتفاقات می اندیشید ، به خاطر نجات معجزه آسای خود خدایش را شکر می کند و از زنده بودن خودش لذت می برد.

به این صورت نام او به عنوان یک قهرمان در کشورش جاودانه شد.... :